

اتاقی در برج

بقیه از صفحه ۵۷

از شدت اضطراب میلرزد . با لحن اطمینان-بخشی گفت :

«ناراحت نباش گراس ، بوفورد هیچ کاری در حق مانعیتو اند بکند. من بزودی کشف خواهم کرد که چه رازی پشت ریزندگی ساکت و مرموز آنها پنهان است.

گراس با ناراحتی جواب داد:

« من فقط میخواهم بفهمم آن دختر بچه معمول چی شده، و گره بهنجوچه از اینکه برای خانواده بوفورد ناراحتی بیش بیاید خوشحال نمیوم .

«منظور من آنستکه بوفورد بفهمد ما

خیلی چیزها را فهمیده‌ایم .

همیشه دکتر کیتن و گراس بچانه بوفورد نزدیک شدند مانند لاورودی را باز کرد . ماتیلا باخشم و نفرت به گراس نگاه میکرد . عصبانی و ناراحت آنها را بهمان اتاق پذیرائی بوفورد که دکتر کیتن قلا باشهر دار رفته بودند راهنمایی کرد . چارلی بوفورد بدون اینکه حتی به آنها خودش آمد بگوید گفت :

«بسیار خوب ، حالا که فهمیده‌اید آرامگاه پسر من خالیست میخواهید چکار کنید ؟

دکتر کیتن با سردی جواب داد :

« خیال میکنم درست تر این باشد که اول شما توضیح بدهید چرا قبری که اسم پسر تان بالای آن نوشته شده و پایتی چنانه او را در خود جاذبه باشد خالیست ؟

چارلی بوفورد ناخنکی گفت :

« من هیچ دلیلی نمی بینم که خودم را موظف بدانم بشما توضیح بدهم.

دکتر کیتن بدون اینکه خونسردی خودش را از دست بدهد جلو آمد:

«آقای بوفورد ، همانطور که میدانید در اینجا ماجراهای گتک و هراس اوری بزخام گراس گذشته . او مهم بهخون شده. شاید اگر اعصاب حساس تری داشت با گذشت آن حوادث ، واقعا دیوانه میشد.

من میخواهم بفهمم پشت این پرده ساهی که اطراف زندگی در این دهکده را گرفته حقیقتی وجود دارد و اگر تین قری خالی بر شما و ماجراهای گذشته ارتباطی وجود دارد، آن را کشف کنم . برای رسیدن بمقصود حتی اگر مجبورم کنید تمام دنیا اعلام میکنند که شما یک تشیع جنازه قلابی تزیین داده‌اید و جنازه‌های را که وجود نداشته بخاک سپرده‌اید . مطمئن باشید که تریبند بخودم راه نخواهم داد.

« فرض کنید همه دنیا بفهمند چنانه پسر من در اینجا دفن شده . چه فایده‌ای برای شما میتو این داشته باشد ؟

گراس روی میلی که نشسته بود جا بجا شدو گفت :

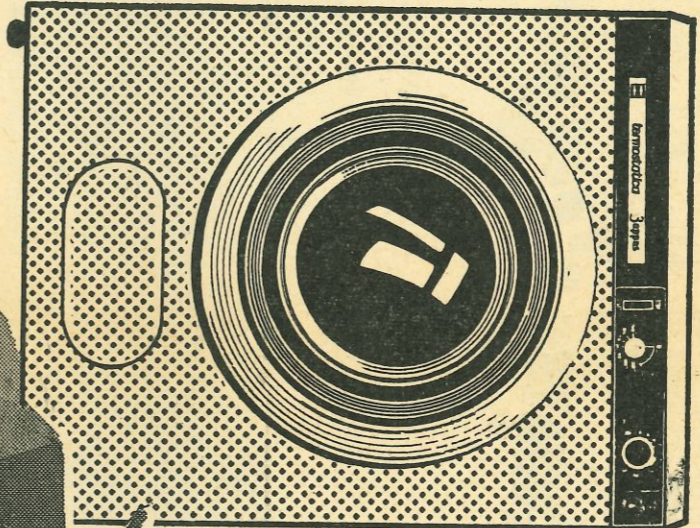
« آقای بوفورد ، من فقط میخواهم بفهمم پسر آن دختر بچه مصومم که از دنیا رفتیم چی آمده ؟ چون من مطمئن هستم که آن دختر بچه واقعا وجود داشته .

«گرسنتین» زن بوفورد ای اختیار فریاد کشید :

« نه... نه... وجود نداشته.. آن بچه زائمه تصورات بوج شما بوده . هیچکس بجز شما آن دختر بچه‌ای را که ادعا میکنید وجود داشته ، ندیده‌است .

«چرا ، دیده‌اند و پنهان میکنند... آخر چرا ؟ ... چرا آقای هاکنگ حقیقت را پنهان کرد . چرا او منکر میشد که یک

شماره صد و پنجاه



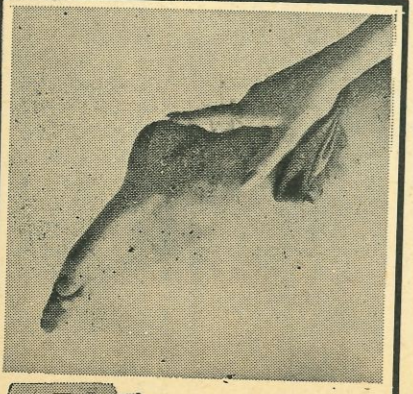
Zoppas



لباسشویی تمام اتوماتیک زوپاس

سرعزیزترین بر رویه

نهایتاً اختصاصی : پارسیان ماشینین خیابان شاه ساختان آلمینیوم طبقه ششم تلفن ۴۳۱۸۸
مکزینچش : شرکت سود مند تادری شماره ۴۸۸ - تلفن ۴۶۸۲۵



از بین میروند و با هالی بسیار نرم و صاف خواهدمانند که جورابها را تیغ کشی نشود و بلکه بسیار نرم و سفید و بزینالی سایر اعضای بدنمان خواهدماند بود که حتی بدون جوراب هم میتوانیم لذت ازمنزل خارج جوید .

در پانته و کف پای اغلب خانها پوستهای خشنی وجود دارد که تا کنون نمیتوان جوراب را از بین برده است اگر بایلید این پوستهای خشن و ناراحت کننده که تا کنون تعداد زیادی از جورابهای شما را تیغ کشی نموده اند از بین بروند و دیگر جوراب صاف کشی نشود قدری که همپوشان بر روی قبت یا آنها بماند و ملاحظه کنید که چطور رفورا این پوستهای مسراحم

آیا جورابهایمان بجز رویش همیشه نرم ؟

نن روز